

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی طائفه‌ی سوم از آیات دال بر مشروعیت جهاد ابتدایی؛

یکی از آیات شریفه‌ای که به در کثیری از کتب فقهی، فقها به عنوان وجوب جهاد به آن استدلال کردند آیه شریفه 216 از سوره مبارکه بقره است که فرموده است: (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ).

بررسی کلمات فقهاء و مفسرین امامیه و اهل سنت در مورد آیه 216 بقره

فقهاء و مفسرین امامیه:

مرحوم آیت الله محمد حسن نجفی(ره) صاحب کتاب «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام» در جلد 21 می‌فرماید: «و لکن لا ریب فی أنَّ الْأُصْلِيَّةَ مِنْهُ قِتَالُ الْكُفَّارِ إِبْتِدَاءً عَلَى الْإِسْلَامِ» بعد از اینکه یکی دو صفحه راجع به جهاد صحبت کرده می‌فرماید جهاد اصلی و قتال اصلی، جهاد ابتدایی با کفار است «و هو الذی نزل فیهِ قوله تعالی» این قول خدای تبارک و تعالی (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ) در همین مورد نازل شده.

مرحوم شیخ طوسی(ره) در کتاب «التبیین فی تفسیر القرآن» در مورد این آیه می‌گوید: «و هذه الآية دالّة علی وجوب الجهاد و فرضه و به قال مسعود و سعید بن المسيّب و اکثر المفسّرين» جلد دوم تبیان صفحه 202.

مرحوم طبرسی(ره) در کتاب «مجمع البیان» در مورد این آیه می‌گوید «و اجمع المفسّرون إلّا عطاء»، فقط یک نفر است که مخالفت کرده ولی بقیه می‌گویند: «أن هذه الآية دالّة علی وجوب الجهاد و فرضه غیر إنّه فرضٌ علی الصحابة»، می‌گوید کتب علیکم به همه‌ی مؤمنین خطاب نیست، بلکه فقط به صحابه رسول خدا(ص) است.

فقهاء و مفسرین اهل سنت:

اسماعیل بن عمر بن کثیر(701-774 هـ ق) معروف به ابن کثیر متوفای قرن هشتم بوده که یکی از تفاسیری است که خیلی به آن مراجعه می‌شود، می‌گوید «هذا إيجابٌ من الله تعالی» چون کلمه‌ی فرض دارد، «للجهاد علی المسلمین أن یکفوا شرّ الاعداء عن حوزة الاسلام»

یعنی شما نه فقط صاحب جواهر(ره) و بعد هم بعضی از فقهای معاصر به این آیه بر وجوب جهاد ابتدایی استدلال کردند، بلکه

تمام مفسران الا یک نفر، همین جهاد ابتدایی را از آیه فهمیدند، منتها ما می‌خواهیم چند تا قرینه هم بیاوریم.

نظریه‌ی صاحب کتاب جهاد در اسلام و

مناقشه در آن

ضمن تبیین چهار قرینه:

برخی از نویسندگان متأخر تلاش می‌کنند که این آیه را هم بگویند اصلاً دلالتی بر جهاد ابتدایی ندارد، در حالی که چند تا قرینه‌ی روشن در این آیه شریفه وجود دارد که از آن استفاده می‌شود که این آیه، مربوط به جهاد ابتدایی است:

«قرینه‌ی اول»:

کلمه‌ی «کتب» و کلمه «کتاب» مثل (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْمِیَابُ) در تشریعیات و تکوینیات دو معنای جداگانه دارد چه اینکه:

«در تشریعیات»

وقتی (كُتِبَ) را مطرح می‌کنند به معنای «وجوب و فریضه» است، مرحوم علامه (ره) می‌فرمایند: «الکتاب کما مرّ مراراً ظاهرة فی الفرض و قال مسعود و ام مسوقاً لبيان التشريع» یعنی جایی که در مورد تشریعیات لفظ (كُتِبَ) را بیاورند؛ این دلالت بر وجوب و دلالت بر فریضه بودن دارد، اما:

«در تکوینیات»

وقتی بیاورند مثلاً خدای تبارک و تعالی می‌فرمایند: (كُتِبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ) در اینجا یعنی «سنت حتمی خدای تبارک و تعالی» یا «قضاء حتمی» است. پس کتابت در تشریعیات به معنای وجوب و فرض است و در تکوینیات به معنای قضاء حتمی است.

«قرینه‌ی دوم»:

خود لفظ و کلمه (الْفِتَالُ) است. چه خداوند متعال می‌فرماید: (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ) پس کلمه‌ی (الْفِتَالُ) اساساً ظهور در جهاد ابتدایی دارد. یعنی (الْفِتَالُ) ظهور در قتال ابتدایی دارد؛ به دیگر کلام (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ) نمی‌گوید: اگر آنها آمدند با شما مقاتله کردند، بلکه خود این لفظ ظهور در این دارد که ابتداءً بروید و این کار را بکنید، مثل اینکه بگوییم (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ) یعنی بروید روزه بگیرید، ظهور در این دارد که یک عملی را ابتداءً خود مسلمان‌ها، باید انجام بدهند و این همان جهاد ابتدایی است لذا ما می‌گوییم اصلاً ظهورش در این است.

اشکال:

حالا اگر کسی بگوید (الْفِتَالُ) هم در قرآن و هم در لغت، در هر دو مورد آمده، یعنی هم در قتال دفاعی آمده و هم در قتال ابتدایی؛

جواب:

به او می‌گوییم آیه اطلاق دارد و می‌گوید (کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ) مطلقاً یعنی اعم از اینکه کفار بپایند یا شما جنگ کنند یا نکنند، یعنی کفار در سرزمین خودشان علیه شما توطئه‌ای بکنند یا نکنند! به عبارت دیگر در پاسخ به مستشکل باید اذعان نمود که:

اولاً:

از نظر استدلال و صناعت استدلال ما اینطوری پیش می‌رویم؛ ادعای اول ما این است که لفظ (الْقِتَالُ) اصلاً ظهور در «ابتدای به قتال» دارد؛

ثانیاً:

اگر موارد استعمال را در قرآن ببینیم، لعل اکثرش هم همین باشد. حالا اگر کسی بگوید اعم است، هم قتال ابتدائی را می‌گیرد و هم دفاعی، می‌گوییم باز برای مدعای ما کافی است، می‌گوییم آیه اطلاق دارد. (کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ)، اعم از اینکه در مقابل شما کفاری جنگ کنند یا جنگ نکنند.

«قرینه‌ی سوم»:

فراز «وَهُوَ كُرَّةٌ لَكُمْ» دال بر جهاد ابتدایی است؛

ما یک قرینه‌ی سوم می‌داریم بر اینکه اصلاً این آیه به اطلاق و ... نیاز ندارد و ظهور در همین جهاد ابتدایی دارد و آن قسمت بعد آیه است که می‌فرماید (وَهُوَ كُرَّةٌ لَكُمْ)؛ مرحوم طبرسی (ره) در کتاب «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» دارد «الکَرَّةُ بالفتح، المشقة التي تحمل على النفس» یک کار سختی که بر نفس انسان تحمیل می‌شود را عرب می‌گوید «کَرَّة»، لذا «و الکَرَّة» یعنی مشقت. عرب آن را که مشقت دارد می‌گوید (کُرَّة) خواه بر نفس انسان تحمیل شود و انسان طبعش از او راضی نباشد، یا نه بر نفس انسان هم تحمیل نشود. مثلاً می‌گوییم «علم آموزی» مشقت دارد، بالأخره زحمت کشیدن دارد اما تحمیلی بر نفس انسان نیست. بعضی‌ها گفته‌اند «کَرَّة» به معنای کراهت داشتن است که بیشتر هم همین را می‌گویند، (کُرَّة) به معنای مشقت است؛ آن وقت (کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرَّةٌ لَكُمْ) یعنی چه؟ یعنی این قتال، بر شما مشقت دارد «و تکرهونه کراهة اطباع»، پس در این فراز دو احتمال وجود دارد:

«احتمال جهاد ابتدایی»:

یک احتمال این است که خداوند متعال می‌فرماید ما بر شما جنگ و جهاد را واجب کردیم در حالی که شما سخت‌تان است! بالأخره جنگ و جهاد سخت است و باید برخیزند تجهیزات آماده کنند، عده و عُدّه آماده کنند، آذوقه آماده کنند، خانواده را رها کنند بروند مدت‌ها از شهر دور بمانند، با دشمن مقابله کنند، بکشند یا کشته شوند، اینها طبع جنگ است؛

«احتمال جهاد دفاعی»:

حالا آیا در جهاد دفاعی، ما می‌توانیم بگوییم (وَهُوَ كُرَّةٌ لَكُمْ) جهاد دفاعی را انسان می‌بیند که اگر مقابله نکند خودش کشته

می‌شود، باید با اینها مقابله کند، اگر مقابله نکند یا کشته می‌شود یا اسیر می‌شود یا اموالش به غارت می‌رود، اصلاً آنجا دیگر این امور وجود ندارد، بعبارة اُخری اگر ابتداءً به آدم بگویند برو جنگ کن این **(وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ)** درست است، بروند با یک قومی که به عنوان کفار در یک جایی هستند جنگ کنند، این را حالا بگوییم کراهت طبع، بگوییم مشقّت، اینها فراوان وجود دارد، اما در جهاد دفاعی، دیگر اینطور نیست که به اینها بگوییم از خودتان دفاع کنید و اینها ناراحت شوند و سخت‌شان باشد! چرا که غیر از این چاره‌ای ندارند.

تایید احتمال اول و رد احتمال دوم از منظر مختار؛

نکته‌ی مهم اینک: عرض من این است که اگر شارع بفرماید «کتب علیکم النوم» درست است؟ «کتب علیکم الأکل»! یا «کتب علیکم تمشیة امور»! سخن ما این است که اکل، شارع هم اگر نگوید، واقع می‌شود، مثلاً برای طبابت، شارع بگوید «کتب علیکم الطبابة»! سخن ما این است که طبابت، به «کتب» نیاز ندارد.

البته اگر بگوییم «فرض»، یک مرتبه‌ی اقوای از وجوب است، حالا در بعضی از اصطلاحات، گاهی اوقات می‌گویند آنچه خداوند متعال واجب فرموده و یا بالقرآن واجب شده را، «فرض» می‌گویند و آنچه را که پیامبر اکرم(ص) بیان کرده تعبیر به فرض نمی‌شود، «سنت» می‌شود. ولی ظهور در این دارد که «فرض» یک ثبوت خاصی است، مثل اینکه می‌گوییم **(کُتِبَ عَلٰی نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ)**، در تکوینیات، یعنی این فقط مختصّ به خدای تبارک و تعالی است، (کُتِبَ)، ظهور در این دارد که خداوند می‌خواهد یک چیزی را تشریع کند که توسط غیر از خدا، قابل تشریع نیست و آن هم جهاد ابتدایی است، جهاد ابتدایی یک چیزی است که اگر خدا بیان نمی‌کرد، هیچ کس نمی‌توانست مطرح کند که مسلمان‌ها باید از محلّ‌شان، از سرزمین‌شان بروند و جنگ کنند.

بنابراین اولاً: لفظ (کُتِبَ) اولین قرینه بر جهاد ابتدایی است، ثانیاً: لفظ **(الْفِتَالُ)** که ادعای ما این است که اصلاً ظهور اولی‌اش، در ابتدایی است بروند مقاتله کنند، حالا اگر کسی هم گفت اطلاق دارد اطلاقش هم مفید برای ما می‌شود؛ ثالثاً: فراز **(وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ)** است، واقعاً سنگین است، در مورد صیامش هم همینطور است، بگوید خدای تبارک و تعالی می‌فرماید شما باید از اول طلوع فجر تا غروب شمس امساک کنید، این هم «کره» است.

یک سوال؛

جهاد که از طرف خدا طاعت است چگونه مکروه می‌شود؟

اینجا یک سؤالی را شیخ طوسی(ره) در کتاب «التبیان فی تفسیر القرآن» مطرح کرده، از یک طرف دستور الهی است و از طرف دیگر می‌گوییم **(كُرْهٌ لَّكُمْ)** مؤمن چطور می‌شود دستور الهی برایش مکروه باشد یا مشقّت داشته باشد. شیخ در تبیان می‌گوید: «إن قيل كيف کره المؤمنون الجهاد؟» چطور می‌شود جهاد برای مؤمن مکروه و ناپسند باشد «و هو طاعة لله» این طاعت خداست!

بررسی دو جواب از منظر شیخ طوسی(ره)؛

«قيل عنه جوابان»، دو جواب در آنجا ذکر کرده:

«جواب اول»:

«إنهم يكرهونه كراهية اطباع» این کراهت طبع است، یعنی اینکه کار سختی است، نه اینکه اینها بدشان بیاید، بالأخره جنگ، کشتن و غارت کردن و اموال از دست دادن است، رفتن از بلد است، این طبعش یک طبع این چنینی است؛

«جواب دوم»:

یک قول دوم هست که **(وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ)** یعنی «إنه كره لكم قبل أن يكتبَ عليكم» شما قبل از اینکه برایتان واجب بشود قتال را کراهت داشتید، قبل از اینکه برایتان واجب بشود «کتبَ عليكم و هو كُرْهٌ لكم سابقاً» ولی الآن این چنین نیست.

البته به نظر مختار، این معنای دوم بر خلاف ظاهر آیه و خلاف دنباله‌ی آیه است که فرموده است: **(وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ)**.

«قرینه‌ی چهارم»:

فراز انتهایی آیه که فرمود **«وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»** □

یک قرینه‌ی چهارمی هم آخر آیه است که می‌فرماید: **(وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)** آیا در جهاد دفاعی این تعبیر درست است؟ در جهاد دفاعی ما می‌دانیم اگر دفاع نکنیم همه چیز را از دست می‌دهیم ولی در جهاد ابتدایی است که خدا می‌فرماید یک ملاکی دارد من می‌دانم شما نمی‌فهمید، من که می‌گویم مسلمان‌ها بروید جهاد ابتدایی کنید کفار را که مکرر معنا کردیم، جهاد ابتدایی یعنی اول به کفار اسلام عرضه شود و منطق اسلام برای آنها بیان شود یا می‌پذیرند یا اگر نپذیرفتند باید کشته شود و قبلاً در جلسه‌ی گذشته گفتیم یک سیاستی بود که در بین خود کفار اتفاقاً وجود داشت، یک کسی که از کفار می‌آمد مسلمان می‌شد را می‌گرفتند می‌گفتند یا از اسلام برگرد یا تو را می‌کشیم.

حالا می‌گوییم در جهاد ابتدایی چه ملاکی است؟ غالب مسلمان‌ها نمی‌دانند، الآن در همین زمان ما متأسفانه بعضی از عمامه به سرها دنبال این هستند که بگویند اصلاً اسلام جهاد ابتدایی ندارد، در بحث چهارشنبه‌های اصول که آیات معاد را می‌گوییم بحث «اشراط الساعة»، یک روایت خیلی عجیبی است که امروز نرسیدیم بخوانیم، در این روایت دارد یکی از علائم آخر الزمان این است که «اجتهاد بغیر الله» انجام می‌شود، «بتفقهن لغیر الله»، برای اینکه یک عده‌ای آن طرف دنیا از فسقه و فجره به نام حقوق بشری‌ها از ما راضی شوند و دلشان یک مقدار نسبت به ما تمایل پیدا کند و ما را تحویل بگیرند، بیاییم این احکام اسلام را انکار کنیم آن هم به لسان خودشان می‌گوییم ما در مسئله، اجتهاد می‌کنیم، بیایند اجتهاد کنند، در این آیه شریفه چهار قرینه وجود دارد خصوصاً این قرینه‌ی اخیرش، **(وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)** در جهاد دفاعی اگر خدا بفرماید این دشمن به تو حمله کرد تو باید دفاع کنی! روشن است که مکلف می‌داند اگر دفاع نکند کشته می‌شود، مالش از بین می‌رود، زن و بچه‌اش اسیر می‌شوند، زمینش گرفته می‌شود، اینجا دیگر **(وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)** یعنی چه؟!

علی ای حال، این نکته خوبی است که **(وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)** قرینه‌ی واضح‌ای است بر اینکه این آیه مربوط به جهاد ابتدایی است.

جلسه‌ی آتی:

بررسی سه احتمال در کلام علامه طباطبایی (ره) پیرامون کراهت و طاعت؛

حالا کلام مرحوم علامه طباطبایی (ره) هم، اینکه در همین سؤال چطور می‌شود یک چیزی «طاعة الله» باشد اما (وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ) باشد، ایشان سه احتمال بیان کردند این را در کتاب «المیزان» آقایان مراجعه کنید، ممکن است هفته‌ی آینده این را مطرح کنیم. به نظر ما این آیه شریفه ظهور خیلی روشنی دارد در جهاد ابتدایی و همان طوری که کثیری از مفسرین گفته‌اند، همانطوری که یک دوره کتب فقهی را مراجعه کردم دیدم اکثر فقها وقتی وارد کتاب جهاد می‌شوند همین آیه 216 را اول ذکر می‌کنند، (كُنُيَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ) و به عنوان جهاد ابتدایی از این آیه استفاده می‌کنند.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين